

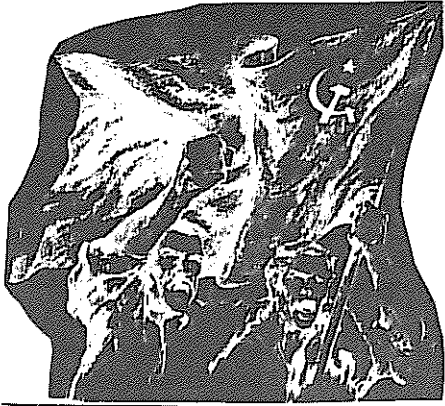
بسوی آینده

د شماره ۱۳۵۶
ژانویه ۱۹۷۸

ارگان مرکزی سازمان جوانان حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران

پیدار هر که گشت در ایران رود به دار

بی دار و زندگی بیدارم آرزوست



ملاقاتهای خادم و ارباب

نمود بودند بین منظور وابستگی ایران را از لحاظ اقتصاد، نظامی و فرهنگی و سیاسی نسبت به خود هر روز تشدید میسازد. فقط از نظر نظامی از سال ۱۹۷۲، ۱۸ میلیارد دلار اسلحه به شاه فرخته است. کد سفرا آخرین با فروش ۵۰۰ فروند هواپیمای جنگی ۳ فروند از راه ای پرنده آواکس میلوینها دلار به ایران افزودند و است. آمریکا با فروش اسلحه و مهمات به ایران اهداف زیر را دنبال میکند. ۱- رونق یافتن کارخانجات اسلحه سازی و تقویت اقتصاد خود. ۲- قالب کردن جنگهای خود در ارا از دریافت نفت. ۳- مورد استفاده قرار دادن اسلحه ها در دفاع از مناطق اثر در ایران و منطقه. ۴- سرکوب مبارزات خلقهای ایران و منطقه. ۵- توسعه و تحکیم ایگام نظامی خود در ایران.

ایران از نظریه پانده نظامی آنگه برای امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد که کارترین نمایند امپریالیسم آمریکا زمانی عوام قریبانه از نقض حقوق بشر توسط رژیم شاه م میزند زمانی دیگر با حفظ منافع خود و سرکوب خلق ایران و منطقه بطور سرساز و آوار اسلحه بد ان جاسران میسازد. اما امپریالیستهارا آنچه ای گهای منافع در میان است. "حقوق بشر" برایشان مفهومی نیست، زیرا امپریالیسم و ارتجاع عامل نقض حقوق بشرند و کارترین از این قانون مستثنی نیست. کارترینها را انتخاب با شکر و آمریکا خود را عوام قریبانه طرفدار "حقوق بشر" قلمه اد میگرد و رژیمهای امثال رژیم شاه را رژیمهای بقدر کندند "حقوق بشر" بخوانند و حال با کمال بیشتر می کنندانی چون رژیم شاه را به گناح سفید دعوت میکند و بعد از آن خود نیز به دیدار محمد رضا شاه خاندن و دیگر رژیمهای خونخوار و دست نشانده و آشرفتهود است آنان را در سرکوب خلقهای ایران زکارتها غارت آنان توسط خود بگری میفرد.

ملک حسین این عامل امپریالیسم آمریکا و این خاندن به خلقهای فلسطین وارد و به ملاقات ارباب خود کارترین بهترین میاید تا همراه با شاه و کارترین سرکوب خلقهای ایران را در فلسطین و منطقه و اطرح ریزی کنند. اما همچنانکه گیتوطه های امپریالیستهارا ارتجاع با شکست روبرو میشوند، اینبار نیز خلقها با مبارزات بی امان خود توطئه های آنان را عقیم خواهند گذاشت. مبارزات عظیمی که در تهران علیه سفرا کارترین ایران صورت پذیرفته است، خود نشانه ای از آنست.

کارترین خود میداند که در ایران ۱۰۰،۰۰۰ انبهترین فرزند ان خلق در سیاه چالهای قرون وسطای بسر میزنند، کارترین خود میداند که در ایران روزی نیست که بیبازی بدست محمد رضا شاه خاندن شهید نگردد و باز کارترین خود میداند که در ایران هیچ قانونی وجود ندارد که آف حقوق بشر باشد و این را نیز میداند که عامل تمام یا مایل شدن ان حقوق بشر در ایران رژیم شاه بخاطر حفظ و گسترش منافع اربابانش، بخصوص امپریالیسم آمریکاست. و درست اینجاست که تمام خیمه شب بازیهای ان جناب جیبی کارترین برآمده و توحالی بودن این تبلیغات را آشکار میسازد.

گسترش روز افزون و فشرده شدن صفوف مبارزه علیه رژیم پوسیده شاه، از طرفی و بی آمرونی و سرنگشته شدن چهره شاه در نزد افکار عمومی جهان از طرف دیگر، شاه را بر آن میدارد که بخاطر حفظ نمای ظاهر تمدن ۴۰۰ نفر از او با نشان و جاقو کسان ساواک را با ضرب پول به آمریکا ببرد و تابا هیوا کند نهبان نشان دادن طرفداران رژیم در آمریکا از مبارزات درخشان تحت رهبری گنده را میون جهانی را خشتی سازد. اما غافل از این که خود وسیله ای برای آمرونی

محمد رضا شاه خاندن بار دیگر به آمریکا سفر کرد تا با جراح نیرو و ثروت خلقهای ایران، خود خد متی و سرسپردگی و وفاداری اش را به ارباب بزرگ خود امپریالیسم آمریکا ثابت کند. هدف این مسافرت و حاصلی که از آن منتع گردید و از وابستگی و نوکس صفتی شاه خاندن نسبت به امپریالیسم آمریکا سرچشمه میگیرد. شاه خاندن در این سفیر بار دیگر نشان داد که همچنان مانسند گذ شتمهرهای محکم وفادار برای حفظ و گسترش منافع ارباب یانگی اثر در ایران و منطقه است و به در اورد ست خاندن سازمان "انقلابی" که آگاهانه به وابستگی رژیم شاه به امپریالیسم آمریکا شک و شبیه بوجود میآورند و خیمه شب بازی آنان (شاهسارتر) را مستحکی برای توجیه نظریات خود قرار میدهند، ثابت کرد که رژیم شاه همچنان سنگ باوفای امپریالیسم آمریکا و مبره محکی برای پیاده کردن سیاستهای امپریالیسم آمریکا محسوب میشود. شاه خاندن از این سفر خود اسارت و بندگی بیشتری را برای خلق های زحمتکش ایران به ارمغان آورد. قول ثابت نگاهداشتن قیمت نفت خاندنی است که نشانه وابستگی خلقهای ایران بلکه به خلقهای کشورهای غواویک نیز در اشتها است. او با قبول این درخواست و صلی کردن آن همراه هتای همیشگی اثر خردستان سعودی ماندند همیشه ی در مقابل آن کشورهایی از اولس که برای افزایش قیمت نفت مبارزه میکنند و کردید. قبول این درخواست و وطن فروشانه او خدمت به امپریالیستهارا بخصوص امپریالیسم آمریکا و کوشش در راه نایدن آنان از بحران اقتصادی است، بحرانی که هر دو مانند ریسمانی گوی آنان را بیشتر میفرد و بسک قده پهرنگ امریک نزد یکتر میسازد.

این مسکله روشن است که برای امپریالیسم آمریکا و ایران از نظر سوسوق الحینی و منابع طبیعی اهمیت نمایانی دارد. از این رو بهر قیمت که شد کوشش میکند که کما کیت در ایران راه در حد بنان حفظ

کنفرانس جوانان

مبارزات جوانان کمونیست ایران در ارای تاریخ درخشند و با شکوهی است. سالهای ۲۰ یکی از مراحل پرتلاطم و تابناک مبارزات جوانان کمونیست میباشد. در این مرحله سازمان جوانان حزب تود ه ایران که جوانان بسیاری را در خود متشکل نمود بهود نقشارزنده های در ترویج افکار کمونیستی در بین جوانان و جلب آنان به حزب تود ه ایران و حزب طبقه کارگر را ایفا نموده است. مبارزاتکود های ۲۸ مرداد این سازمان بوسیله رژیم کودتاسرکوب گردید. لکن اعضای این سازمان در سالهای بعد از کودتا و در زیر سر نیزه های رژیم کودتا چه صورت هسته های مخفی وجه بصورت شرکت در جنبشهای تود ه ای همچنان به مبارزات خود ادامه دادند و حتی بسیاری از این رفقا در ریکا را رژیم فاشیستی شاه به منسهادت رسید ه اند. مبارزه و فلسطین ان اکثریت کمیته مرکزی حزب تود ه ایران به امن روزیونیس و بهرولتای ایران کردن پیشاهنگ خود را از دست داد و در نتیجه جای سازمان جوانان، سازمانی که تحت رهبری این حزب به متشکل جوانان و ترویج افکار کمونیستی در بین جوانان ببرد از، به نین خالی گشت. تا سر آخر با ماجدهت و کوشش مارکسیست لنینیستهای متشکل در سازمان توفان، حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، حزب طبقه کارگر ایران در رصه مهین مالحیا کردید و ماند سندن رده و راه مساز خاندن کتر بیرون آورد. بنا بر ارباب موصی و این کتر حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران و بنا بر ه نمود های د ه ایانه کمیته مرکزی حزب سازمان جوانان حزب چون نهالی کوچک ولی رشد یابنده میا بر ترعه هستی نهاد و نخستین کنفرانس (کنفرانس مؤسس) خود را برگزار نمود. سازمان جوانان حزب تشکیل گردید تا بیوند تود ه های وسیع جوانان و بطور عمد جوانان زحمتکش را با حزب مستحکم نمود. مؤثرات پیش از پیش گسترش دهن و چون سر نیزه حزب قلب د شندان طبقاتی را بدرانده، به تابیهی از ارکان اساسی حزب از یکسوتوان و نیروی حزب را افزونی بخشید و از سوسی

قطعنامه کنفرانس پیرامون: بقیه در صفحه ۲

وضع ایران

کنفرانس پیرامون بررسی اوضاع ایران با تمدن بی کامل قطعنامه و اسناد اولین کنگره حزب اوضاع ایران را چنین بررسی میکند: ایران کشوری است نیمه مستعمره، خلقهای زحمتکش ایران قریب به یک قرن است که با امپریالیسم درگیر میباشد. امپریالیسم بار سوخ در جامعه ایران تکامل طبیعی آنرا ترمز کرد و آنرا بصورت کشوری عقب افتاده و زائنه امپریالیسم در آورد و است و اکنون در هب سال است که خود را در رکیه شتون اقتصاد و نظامی و فرهنگی و سیاسی ایران گسترده است.

مواخام نفت، گاز، مس و... ایران از جانب امپریالیستهای رنگارنگ بقارت و جیاول میروند. امپریالیسم در سراسر ایران به استثمار نیروی پرولتاریا و سایر زحمتکشان ایران مشغول است و در رکیه موسسات صنعتی و تجاری و بانکی و کشاورزی به بهره کشی پرداخته است. صنایع ایران بعد تصانیع وابسته متنازع میباشد. تجارت خارجی نامعاد ل ایران خود دلیل دیگری است بر وابستگی ایران به امپریالیسم. بازار ایران در اختیار بقارت بنجلهای خارجی است. بیوروازی ملی ایران راه هیچگونه مانگ ان رشد و توسعه نیست. یا باید با ادغام سرمایه خود در سرمایه امپریالیستی بصورت بیوروازی وابسته در آید و یا در رقابت با سرمایه خارجی به خطر ورشکستگی تن در دهنه در این میان امپریالیسم آمریکا شرایط خاص و برتری را در بقارت ثروت و نیروی بازوی خلق ایران حائز است.

فرهنگ استعماری که چیزی جز روحیه فرمانبرداری و شیوه های تفکر خرافی و انزوا جوشی و تسلیم طلبی ه اند و ه و یاس و تخدیر در فضای مینهنی پسرانکده و وسیله ایست در دست امپریالیستهارا افکار خلق را نخدیر کند و راه را برای غارت و جیاول منابع ثروت و نیروی مینهن ماهر سازند. امپریالیستهارا سرعت بیسابقه ای در حال سرازیری این کالای بنجل ولیدیه میان خلق مابورده در بین جوانان میباشد. از یکسوتام مبارزهای هنری و ادبی از قبیل فیلمهای مبتذل و کتابهای منحرف کننده و پلیسی و خنثی و انجمنهای فرهنگی و از سوی دیگر اوت شکجه و سانسور را کار گرفته اند تا به جند فرهنگ یگانه را گریز می برونند و آنرا سرکوب سازند. فرهنگی که در اوزانده در برابر فرهنگ تاج کرچیا و لکران ایستاد و به ترویج آزاد اندیشی و اعتماد به نیروی لایزال تود ه ها ایستادگی و مقاومت در مقابل دشمن و مبارزهای برای آینده تابناک مشغول است.

رژیم شاه از ایران با یگانه ساخته است جهت حفظ و جراست منافع امپریالیسم آمریکا در خاور میانه. ارتش ایران ارتشی یونانی و در دست امپریالیسم آمریکا است و طبق بقیه در صفحه ۲

زنده باد حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران

بقیه در صفحه ۲

قطعهنامه... بقیه از صفحه ۱
 فرداد های موجودی می تواند در شرایط خاص حتی خود مستقما تجهیزات ارتش ایران را مورد استفاده قرار دهد. بخش وسیعی از درآمد ایران صرف تسلیحات می شود. ارتش ایران نه تنها فاع از منابع خلق بلکه بخاطر سرکوب مبارزات مردم ایران و ملت های منطقه می باشد. اپورتونیستهای حین و در بیرون آن در دو سه خد خلقی "سازمان انقلابی" به تصدیق این تسلیحات که گویا "طیله ارتش شوروی" و ضمن عده خلقها" است، میبرد ارتش. وجود سی هزار مستشار نظامی که تا سال ۱۹۸۰ به شخصت هزار خود آمد رسیده، وسیله ایست در برعبری ارتش شاه و بیرون آنها با روحیه خدمت به امپریالیسم آمریکا. در شرایط گونی عامل نفوذ امپریالیسم پیروزه امپریالیسم آمریکا در ایران رژیم شاه می باشد. رژیم شاه از ایران جوان بیگانه ای ساخته که به آن هزغارتگر بین المللی رازهاست. در واقع ایران مظهر استعمار جمعی است.
 کثرت امپریالیسمی را میتوان یافت که نحوی در ضارت خلق ایران دست نه داشته باشد. در این میان سوسیال امپریالیسم شوروی که سالیانه در ایران به جاپاول و ضارت مشغول است، می کشد نفوذ خود را در ایران گسترده. در عده در او سه خد خلقی کمیته مرکزی در این راه بعنوان ستون پنجم امپریالیسم شوروی و رنگا پوست "مبارزه" کمیته مرکزی نه بخاطر سناغ خلق بلکه بخاطر به افتخار تقدیم کنین در ایران از جانب امپریالیسم شوروی است. لذا اوی مبلغ و خواهان انقیاد ملی ایران توسط سوسیال امپریالیسم شوروی است.
 رژیم شاه سدره تکلل و آزادی ایران است. بدون سرتکونی رژیم طبقات ارتجاعی و قطع نفوذ کیه امپریالیستها از ایران آزاد و استقلال خلقهای ایران ممکن نیست.
 جامعه ایران از نظر اقتصاد کشاورزی نیز بسیار عقب افتاده و تکامل نیافته است. "اصلاحات ارضی" شاه خود در جهت گسترش نفوذ امپریالیسم زشهرها به هات بود موقوفه بدختی در هفتان راشد بخشنیده و بسیاری از ایشان را بخیل بیکاران در شهرها فروز. "اصلاحات ارضی" شاه امروزه نفوذ الیسم را بران ریشه کن نکرده است و اساسا بدین قادر نیست. امراحل مسئله در هفتان و انقلاب ارضی کامکان در دستوران انقلاب ایران قرار دارد.
 رژیم شاه با بغارت و داند ایران در تمام سطح خون و جان خلق ایران را تا آخرین قطره و حرکت میبکد و میکرد. رژیم شاه بعنوان مولود امپریالیسم هیچ حرکتی جز خدمت به امپریالیسم در نظر ندارد. وی سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا است.
 خلقهای ایران سالهاست که مبارزه علیه دستگاه یوسیده طبقات ارتجاعی و حاکمیت امپریالیسم مبارزه بر خاسته اند. این مبارزات، هستی و بلندی بسیاری دارد. افتخیز و بیروزی و شکست بالاخره به آزادی و سعادت منتهی خواهد گردید. سیاستهای متفاوت کارتر و ملیش مبنی بر فاع از حقوق بشر" هیچ دردی را از جامعه ما و نخواهد کرد و سیاستی است عوام فریبانه که برای فریب عده های است.
 خلق ایران راهی جزیرد اخشن به امروانتخاب دموکراتیک تود های ندارد. تنها از این طریق و کسب رهبری انقلاب توسط حزب کمونیست کارگران و د هفتان بیروزی نهایی خلق ممکن است.

کفترانس... بقیه از صفحه ۱
 د بگر هموار با تلاش و تکلیف خون تازه نیروی جوان بحزب وارد نماید. سازمان جوانان این وظیفه را پیش پای خود قرار داد تا جوانان را با روحیه ای کمونیستی و بلشویکی تربیت نماید و مشعل مشرقی و وفاداری به حزب و بیولتاریا و فد اکاری و جانا بازی در راه خلق را در دل آنان برافروزد و آنها را برای تشکیل درون حزب کمونیست کارگران و د هفتان ایران و مبارزه در راه آرمانهای والای بیولتاریا آماده کرد. سازمان جوانان بر آنست که در شرایط گونی میهن ما را و هر کار و فعالیت در میان جوانان زحمتگر، هرگز نباید از حلق و بیوروش جوانان سایر اقشار و طبقات خلقی بالاخص روشنفکران و دانشجویان فقط ورزید امروزه در حالی که شاهد آنیم که انواع و اقسام نظرات انحرافی، مغیر کمونیستی و ضد کمونیستی بعنوان مارکسیسم نینینیم و در حقیقت بڑا ملوث ساختن کمونیسم جهان را جنب نیروهای ارتجاعی و چپا زوسی و اقتدار و طبقات غیر بیولتری ترویج و تبلیغ میگردند و موجب نشند در فکری و دهم اندیشی میان جوانان و بیوزوشنفکران میشوند.
 وظیفه سازمان جوانان کمونیست است که برای فاع از مارکسیسم لنینیسم و برای اکیزگی کمونیسم با انواع این افکار و اندیشه های لا بهای غیر بیولتری که خود انیتیک کمونیسم و خسته اند به مبارزه و تقابله بر خیزد و جوانان را بلشویک، بیگانه از ایشان ترس و مسلط به ایمان و جانا بازی بیوروند تا آماده باشند راسته سوی آینده و تپناک و سوی د نیای عاری از جو روستشاره و بیسارند.
 کفترانس موسسه با الهام از مضمومات و قطع نامه ها و مثنی و برنامه حزب با صد ورقه قطع نامه ها، تنظیم اساسنامه و انتخاب کمیته مرکزی با موفقیت پایان پذیرفت.

افزاع... بقیه از صفحه ۳
 جهان و چهار تضاد اساسی فوق به نتیجه رسیده که در شرایط گونی آنچه که در برابر ماست و باید بحل آن برد انداخت امر انقلاب اجتماعی و مبارزات آزاد بخشد. است. کفترانس با حرکت از مثنی حزب و ایمان به نیروی بیولتاریا و دیگر زحمتگاران ایران پیشینانی فعال خود را از مثنی رژیم حزب کارآییانی و در برابر مارکسیست لنینیست بزرگترین انور و خواهان عملی در ایران آلبانی سوسیالیستی میهن کیه بیولتاریا و خلقها را تحت ستم جهان و مارکسیست لنینیست جهان، است.

ملاقاتی... بقیه از صفحه ۱
 و گسترش مبارزات تودید و هنده خلقهای ایران و فشار افکار عمومی جهان نسبت به رژیم شاه این مسئله را برای کارتر و سواه روشن میسازد که رژیم شاه لحظت آخر عمر را میسری میکند. برای امپریالیستها پیروزه امپریالیسم آمریکا سرتکونی رژیم محمد رضا شاه و استقرار حکومت دموکراتیک خلق به معنای تاج نفوذ آنها از سر زمین ما ایران است. از این رو کارتر سرمدادی دفاع از حقوق بشر" را سر میدهد. برای آنکه چهره خود را تانقی کند و از طرف دیگر به رژیمهای امثال شاه بطور سرسام آوز اسلحه میفرستد تا بیک بخریب اسلحه چند صیاحی دیگر عمر کثیف خود ادامه دهند.
 اما تاریخ مبارزات خلقها و در رأس آن طبقه کارگر جهان نشان داده است که صدای حق طلبانه و آزاد بخوهان خلقها با زور و شجاعت، اندام و تیرباران نمیتوان خاموش ساخت. همچنانکه نه "حقوق بشر" کارتر و وسیل سرسام آوز اسلحه و نه توری و هفتان محمد رضایان می قادر به جلوگیری از رشد روز افزون مبارزات خلقهای ایران نمیباشد. مبارزات در هفتان و سیر شکوه دانشجویان و دبئیال آن بازار ایران همزمان با مذکرات شامو کارتر در روانشناسی خود دلیل روشنی بر این اندام است. دانشجویان د لیبر میبارز و دانشگاههای ایران در رست هنگامیک شاه خائن همراه اربابش سرگرم خیانت به خلق ایران بود سه خیابانها ریخته و بیافراد های آسمان خراش خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم مغز و سلوی با شعراهای خد دستگاه حاکمه ابراز داشته و تظاهراتهای عظیمی را برپا میاندازند. کمانده های پلیس و مامورین ساواک بالبالر شخصی و با تجهیزات کامل به صف تظاهر کنندگان حمله ورند و هتمند ۱۶ نفر از دانشجو یان را شهادت رساند و بیش از ۱۰۰ نفر را مجروح ساختند. این عملکار این خیرد رصاج مد عیبی مخصوص عید قربان، تظاهرات ۱۵۰۰۰ نفر بازار ایران را بد نیال داشت. در این تظاهرات نیز پلیس و مامورین ساواک حمله کرده و در ریه بیکار خون آلود ۷ تن از تظاهر کنندگان شهادت رسانید و بیش از ۱۰۰ نفر نیز مجروح و تعدادی نیز مورد بازداشت ساواک قرار میگردند.
 خلاصه اینکه خلق زحمتگر ایران در این روزها با بیگاری بسر عظیم و بیوروست، بیگاری که از تکثیر فاع امپریالیسم و ارتجاع محلی بسرگردی رژیم مغز و شاه و دستگاههای توری و هفتان و در طرف دیگر خلقهای زحمتگر میهن ما مجبزه به سلاح ایمان به خلقی و ایمان به سرتکونی رژیم مغز و شاه قرار دارد. روند این مبارزات، تودید هنده فرد اوی روشن است، فرد ای خالی از هر توده زور و ستم فرد ای که شعله های فروزان انقلاب آخرین زده های بیکر

کفترانس... بقیه از صفحه ۱
 د بگر هموار با تلاش و تکلیف خون تازه نیروی جوان بحزب وارد نماید. سازمان جوانان این وظیفه را پیش پای خود قرار داد تا جوانان را با روحیه ای کمونیستی و بلشویکی تربیت نماید و مشعل مشرقی و وفاداری به حزب و بیولتاریا و فد اکاری و جانا بازی در راه خلق را در دل آنان برافروزد و آنها را برای تشکیل درون حزب کمونیست کارگران و د هفتان ایران و مبارزه در راه آرمانهای والای بیولتاریا آماده کرد. سازمان جوانان بر آنست که در شرایط گونی میهن ما را و هر کار و فعالیت در میان جوانان زحمتگر، هرگز نباید از حلق و بیوروش جوانان سایر اقشار و طبقات خلقی بالاخص روشنفکران و دانشجویان فقط ورزید امروزه در حالی که شاهد آنیم که انواع و اقسام نظرات انحرافی، مغیر کمونیستی و ضد کمونیستی بعنوان مارکسیسم نینینیم و در حقیقت بڑا ملوث ساختن کمونیسم جهان را جنب نیروهای ارتجاعی و چپا زوسی و اقتدار و طبقات غیر بیولتری ترویج و تبلیغ میگردند و موجب نشند در فکری و دهم اندیشی میان جوانان و بیوزوشنفکران میشوند.
 وظیفه سازمان جوانان کمونیست است که برای فاع از مارکسیسم لنینیسم و برای اکیزگی کمونیسم با انواع این افکار و اندیشه های لا بهای غیر بیولتری که خود انیتیک کمونیسم و خسته اند به مبارزه و تقابله بر خیزد و جوانان را بلشویک، بیگانه از ایشان ترس و مسلط به ایمان و جانا بازی بیوروند تا آماده باشند راسته سوی آینده و تپناک و سوی د نیای عاری از جو روستشاره و بیسارند.
 کفترانس موسسه با الهام از مضمومات و قطع نامه ها و مثنی و برنامه حزب با صد ورقه قطع نامه ها، تنظیم اساسنامه و انتخاب کمیته مرکزی با موفقیت پایان پذیرفت.

افزاع... بقیه از صفحه ۳
 جهان و چهار تضاد اساسی فوق به نتیجه رسیده که در شرایط گونی آنچه که در برابر ماست و باید بحل آن برد انداخت امر انقلاب اجتماعی و مبارزات آزاد بخشد. است. کفترانس با حرکت از مثنی حزب و ایمان به نیروی بیولتاریا و دیگر زحمتگاران ایران پیشینانی فعال خود را از مثنی رژیم حزب کارآییانی و در برابر مارکسیست لنینیست بزرگترین انور و خواهان عملی در ایران آلبانی سوسیالیستی میهن کیه بیولتاریا و خلقها را تحت ستم جهان و مارکسیست لنینیست جهان، است.

تغزل از توفان ارگان مرکزی حزب

تغزل از توفان ارگان مرکزی حزب

تغزل از توفان ارگان مرکزی حزب

سازمان انقلابی... بقیه از صفحه ۴

پای برای خویش در این نهضت بیابند. سازمان انقلابی... همپا شیوه ما نماند عجز از خود شرایط مساعدی برای عمل امیرالیسم سازمان امنیت فراهم آورد. زندگی این سازمان بیوزره خنثی باقی ماند که فعالیت خرابکارانه امیرالیسم و سازمان امنیت در سازمان انقلابی قرین موفقیت بود و است. (مدرج در توفان شماره ۳ دوره سوم مورخ تیرماه ۱۳۴۹)

این چنین تولد و نمو است چیزی دیگر از اجزای آن که نامش بی نام می سمی "سازمان انقلابی" موجود است برآورد. تاریخچه فعالیت سازمان انقلابی به عنوان رنجی است و در هر یک از کارهای سیاسی است. این سازمان هیچگاه به راه راست نرفت. زمانی تحت لوای مارکسیسم لنینیسم و کاستریسم و کانون شورشی رابینلی میگرد موسس خاندان با تروم حزب پیشتر از طبقه کارگر بود. این سازمان در توفان مبارزه برخاسته بود. پس از مبارزه های سخت کفلیه مشی "چپ روانه" وی در رکود منطقی به راست گروید و در تفرقه های سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان ساخته و کوشید کف را بسوزد و در انجوشی را به سازمانی که خطر برای رژیم بدل سازد. فعالیت وی هیچگاه به مارکسیسم لنینیسم نماند و در این سازمان هیچگاه از مشی مارکسیستی لنینیستی و صد اقت انقلابی برخوردار نبود. اساسا هیچگاه آنگه آن عمل نکرد که بتواند بوی اعتماد سیاسی و تشکیلاتی داشته باشد. سراسر زندگی "سازمان انقلابی" از روندی حکایکی است که حرکت خلاف جهت منافع خلق را بیانگر است. روندی که مشی خاندان و هیئت خلقی کونونی حاصل نگاشته اند. "سازمان انقلابی" همیشه در طول سیزده سال وجود نامیوم خود وسیله ای بود در مبارزه علیه مارکسیسم لنینیسم. هیئت مرکزی سازمان توفان در دیماه ۱۳۴۹ طی اعلامیه ای مدرج در شماره ۴۱ توفان دوره سوم "سازمان انقلابی" را چنین ارزیابی کرد:

"این سازمان را سازمانی ماجراجو، فرصت طلب در پیوند آشکار و نهان با رژیونیسیم، گرفتار در شبکه سازمان امنیت و تفرقه اند از خود انقلابی میدانیم. کارنامه این سازمان چیزی دیگر جز اشتهار نگار خرد به روز آمارانه کاستریستی می باشد اعتبار ساختن مارکسیسم لنینیسم و اندیشه مائوتسده و ایجاد تشمت در صفوف مارکسیست لنینیست ها و در سازمانهای خود و در هر یک از احزاب حزب طبقه کارگر ایران نبود است. نتیجه فعالیت این سازمان جز سود ارتجاع و رژیونیسیم و امیرالیسم نبوده و نیست. وحدت مارکسیست لنینیست ها جز با گریز از این سازمان نفاقی امکان میسر نخواهد شد و این وظیفه ای است که سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان از آغاز باید این خوش انجام دهد. است و نخواهد داد. بی جهت نیست که "سازمان انقلابی" بلا فاصله پس از سخنرانی علنی کوروش لاشانی در مسجد از رژیم پهلوی شاه بخشنده عهد می نویسد ۱۳۵۱

خود را صادر کرد و هوانعان میکند که از این نوم در سامبر ۹۷ از خود شروع به "صحیح" برخوردار به رژیم پهلوی می خورد که گمانیک "ما را انقلاب ایران کرد است. در واقع امر این خود زمینی ای بود برای خیانت و ارتداد های بعدی. متن بخشنده مذکور چنین است:

"فقا! این دو زمین باری است که در عرض سه سال گذشته یکی از کارهای بالایی سازمان راه ارتداد و تسلیم را در پیش میگیرد. بقرای اطلاع (البته ما هنوز حرفهای لاشانی را شنیده ایم که در ماهیم) مرتد نمین در حرفهای حمله مند علیه سازمان روی برخوردار در کماتیک و اینکه رژیم ایران "مستقل و ملی" است و سازمان میبخواهد این مسئله را درک کند که اشتباه است.

این شیوه را بدین گونه بیان میکنند که از این نوم در سامبر ۹۷ از خود شروع به "صحیح" برخوردار به رژیم پهلوی می خورد که گمانیک "ما را انقلاب ایران کرد است. در واقع امر این خود زمینی ای بود برای خیانت و ارتداد های بعدی. متن بخشنده مذکور چنین است:

"فقا! این دو زمین باری است که در عرض سه سال گذشته یکی از کارهای بالایی سازمان راه ارتداد و تسلیم را در پیش میگیرد. بقرای اطلاع (البته ما هنوز حرفهای لاشانی را شنیده ایم که در ماهیم) مرتد نمین در حرفهای حمله مند علیه سازمان روی برخوردار در کماتیک و اینکه رژیم ایران "مستقل و ملی" است و سازمان میبخواهد این مسئله را درک کند که اشتباه است.

این شیوه را بدین گونه بیان میکنند که از این نوم در سامبر ۹۷ از خود شروع به "صحیح" برخوردار به رژیم پهلوی می خورد که گمانیک "ما را انقلاب ایران کرد است. در واقع امر این خود زمینی ای بود برای خیانت و ارتداد های بعدی. متن بخشنده مذکور چنین است:

"فقا! این دو زمین باری است که در عرض سه سال گذشته یکی از کارهای بالایی سازمان راه ارتداد و تسلیم را در پیش میگیرد. بقرای اطلاع (البته ما هنوز حرفهای لاشانی را شنیده ایم که در ماهیم) مرتد نمین در حرفهای حمله مند علیه سازمان روی برخوردار در کماتیک و اینکه رژیم ایران "مستقل و ملی" است و سازمان میبخواهد این مسئله را درک کند که اشتباه است.

این شیوه را بدین گونه بیان میکنند که از این نوم در سامبر ۹۷ از خود شروع به "صحیح" برخوردار به رژیم پهلوی می خورد که گمانیک "ما را انقلاب ایران کرد است. در واقع امر این خود زمینی ای بود برای خیانت و ارتداد های بعدی. متن بخشنده مذکور چنین است:

"فقا! این دو زمین باری است که در عرض سه سال گذشته یکی از کارهای بالایی سازمان راه ارتداد و تسلیم را در پیش میگیرد. بقرای اطلاع (البته ما هنوز حرفهای لاشانی را شنیده ایم که در ماهیم) مرتد نمین در حرفهای حمله مند علیه سازمان روی برخوردار در کماتیک و اینکه رژیم ایران "مستقل و ملی" است و سازمان میبخواهد این مسئله را درک کند که اشتباه است.

این شیوه را بدین گونه بیان میکنند که از این نوم در سامبر ۹۷ از خود شروع به "صحیح" برخوردار به رژیم پهلوی می خورد که گمانیک "ما را انقلاب ایران کرد است. در واقع امر این خود زمینی ای بود برای خیانت و ارتداد های بعدی. متن بخشنده مذکور چنین است:

"فقا! این دو زمین باری است که در عرض سه سال گذشته یکی از کارهای بالایی سازمان راه ارتداد و تسلیم را در پیش میگیرد. بقرای اطلاع (البته ما هنوز حرفهای لاشانی را شنیده ایم که در ماهیم) مرتد نمین در حرفهای حمله مند علیه سازمان روی برخوردار در کماتیک و اینکه رژیم ایران "مستقل و ملی" است و سازمان میبخواهد این مسئله را درک کند که اشتباه است.

این شیوه را بدین گونه بیان میکنند که از این نوم در سامبر ۹۷ از خود شروع به "صحیح" برخوردار به رژیم پهلوی می خورد که گمانیک "ما را انقلاب ایران کرد است. در واقع امر این خود زمینی ای بود برای خیانت و ارتداد های بعدی. متن بخشنده مذکور چنین است:

"فقا! این دو زمین باری است که در عرض سه سال گذشته یکی از کارهای بالایی سازمان راه ارتداد و تسلیم را در پیش میگیرد. بقرای اطلاع (البته ما هنوز حرفهای لاشانی را شنیده ایم که در ماهیم) مرتد نمین در حرفهای حمله مند علیه سازمان روی برخوردار در کماتیک و اینکه رژیم ایران "مستقل و ملی" است و سازمان میبخواهد این مسئله را درک کند که اشتباه است.

اوضاع... بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود. بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود. بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود.

اوضاع... بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود. بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود. بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود.

اوضاع... بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود. بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود. بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود.

اوضاع... بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود. بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود. بقیه از صفحه ۴ فاکتورهای گوناگونی سرمایه در ایران از رونق رویتلانی میبرد. مبارزات طبقه کارگر در کشور گه سرمایه داری هر روز تنگتر می شود.

زنده باد انتر نالیسم پرولتری

تظلماتیروا من اوضاع بین المللی

تظلماتیروا من اوضاع بین المللی
 گفتار سبب از فروخت پیرامون اوضاع کنونی جهان با حرکت ارتقظنامه اولین کنگره حزب در باره اوضاع بین المللی و اصول جهانشمول مارکسیسم لنینیسم به نتایج ذیل رسید :

پس از انقلاب کبیرا کثرتیود این جمهوری سوسیالیستی شوراعاد شوروی اوضاع جهان در گزگون گشت. تشکیل جمهوری سوسیالیستی شوروی چراغ امید بود که برای پرولتاریا و کلبه خلقهای تحت ستمشور گشت. ارد و گام سوسیالیسم چسبون دزی استوار در مقابل امپریالیسم و ارتجاع بین المللی تجلی یافت. با الهام از انقلاب کثرتیوروی آن جنب و جوشی برخوردار گشت. سرکیتی رافرا گرفت. انقلاب کبیرا خلقها را در مبارزه علیه دشمنان طبقاتی و ملی خود بیدار ساخت و مبارزه را به انقلابی ایشان را در همون گشت. پیران جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم عیظون کپروتار. یا ایساری از کشورها برد دشمنان پرپیروز گشتند. ارد و گام سوسیالیسم را اعتبار و قدرت فزونی بر خورد ار کردید. لکن بیدایش رومیزیونسم خروشونی و کسمقدرت حزب و دولت از طریق ایسن در اردو سته که کمشوروی سوسیالیستی را به برقد رتی امپریالیستی بدل کرد. کشورهای اروپای شرقی نیز به استثناء آلبانی سوسیالیستی همگی به کشورهای زائده بلوک سوسیالیامپریالیسم شوروی تبدیل شده اند. تغییر و تحولت در شوروی یار دگر اوضاع جهان تا اسیاری به جای گداشته. اما اینبار تغییرات بسود ارتجاع و طغیانها بود. پیران این پرولتاریا و خلقهای تحت ستم مبارزه ضد امپریالیستی خود نیایند. پرولتاریا امپریالیستی بلکه با وجود بزرگ رومیزیونسم. بیدایش سوسیالیامپریالیسم شوروی که جبهه تفریق بسیار بزرگی را در صحنه ی جهان کنونی بوجود آورد. معذالک در ماهیت ویران مائستیوری حاصل نکتت و حمله نین بزرگ بقوت خود باقی است. لنین دوران ما را بد رستی بعنوان دوران امپریالیسم و انقلاب پرولتری فرموله کرد هاست.

لنین و استالین از چهار تضاد اساسی نام ببرند که اکنون نیز بقوت خود باقی هستند و شدت بیشتری یافته اند. این چهار تضاد کافی است تا اساس تکامل دوران ما و حرکت جنبشهای انقلابی را تشکیل میدهد. این تضاد میان سوسیالیسم و سرمایه داری و بین ارتجاع و سوسیالیسم

در دنیا و نیای متخاصم میباشد. در امرای نیای سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی آلبانی چون مشعلی فروزان که با بخش قلبهای خلق های ستم دیده پرولتاریای جهان است. در مقابل آن در امرای نیای سرمایه داری و بر قدرت شوروی و آمریکا که دشمنان عمده و خلقهای جهان بیغارت و بیچاره و بیچاره جهان مشمولند. این تضاد اساسی تکامل دوران ما است و نقش پایه ای دارد. تقسیم جهان به سه دیناد و واقع تحلیلی ضد مارکسیستی است. لنین در سال ۱۹۱۱ وجود دو دنیا را چنین توصیف میکند: "م نیای کشته سرمایه داری که درین سستی گرفتار است و هرگز عقب نمیشیند و دنیای رشد یابنده و که هنوز خیلی ضعیف است. اما قوی و بزرگ خواهد شد. زیرا انقلابی ناپذیر است." دوران ما در واقع دوران گذار از دنیای سرمایه داری به دنیای سوسیالیسم است. محتوی حرکت انقلابی این گذار امپریالیسم در مبارزه طبقاتی پرولتاریا با اقطاع سوسیالیستی و مبارزه آزادی بخش خلقهای تحت ستم امپریالیسم که متحدان بین المللی پرولتاریا را تشکیل میدهد هفت در است.

در بین تضاد اساسی دوران ما تضاد میان کار و سرمایه و یعنی تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی است. این تضاد که جوهر تضاد های اساسی دیگر میباشد. در شرایط کنونی شکست امپریالیسم هرروز به پیشتر شدت می یابد. پیروزی مبارزات خلقها بر امپریالیسم موجب بیدایش و تشدید بحرانهای اقتصادی و تورم مالی و بیکاری مزمن میگردد. امروزه سه بقیه در صفحه ۳

« سازمان انقلابی » نامی بی محتوی

در قانون تکامل اجتماعی و عریه دیده و هرگروهی و بنا بر وظیفه و رسالتی توله میاید. تکامل آتی این عریه دیده و یا گروه درست بر پایه آن وظیفه و رسالت استوار است که در یافته و اشکال نوینی را بر خود میگرد. « سازمان انقلابی » نیز از این قانون مستثنی نیست. « سازمان انقلابی » که بدست عناصر معلوم الحال چون لائسانی از یکجانب و از جانب دیگر ماورویزینیستها و گمراشته و زشتگیاخته و نیتوانست از منظور نیت خاصی برخوردار باشد. تولدی که بر اساس سیزده سال بیخ و خم و انحرافت و ارتداد بدعشی رومیزیونستی کنونی و خیانت منجر گشت. خشت اول جویند معمار کج تاثیر مییورد و یوار کج.

اهمیت ویژه برخوردار بود اردو سته « سازمان انقلابی » نیاز آنجست که گویا از نفوذ و تا شوروی برخوردار است. امریکه واقعیست و رشکسته و بی آبروی این اردو سته هرروز آنرا بیشتر و متغی میسازد. بلکه در وهله اول آنجست که حتی پیران ستنایزدن این اردو سته در تلکاو رفتنه تیره منی جدید رومیزیونستی هنوز جریان یا جریاناتی در خارج از کشور میگردند بنحوی از انحاء به توجیه منشی ضد خلقی و شناخته شده « سازمان انقلابی » ببرد ازند. امریکه ضربه ال جنبش مارکسیستی لنینیستی و جنبش انقلابی خلقهای ایران است.

تظلم هر این توجیه را میتوان در عهد و عهد آگاهانه تلوزوم مبارزه جدی و ضد قانوی پیگیر علیه این اردو سته است. از این قبیل است رفتار گروهها و اشعاعی از توفان. این گروه که مبارزه پیگیر علیه « سازمان انقلابی » را ضروری نمیدانسته و بشیرا متعابد انجایش رفت که چه قبل از تبلیغ شبه تئوری سده نیا "وسط سازمان انقلابی" و چه پیران آن "این اردو سته را در جنبش مارکسیستی لنینیستی قلد اد کرد و وحشی اینان را نیروی باقوه وحدت مارکسیست لنینیستی جهت احیا "حزب طبقه کارگر شمار آورد. اکنون کبیرا از مبارزه ای طولانی جبهه و اتوسی و منی ضد خلقی « سازمان انقلابی » بیشتر از پیش بر ملا گشته و گروهک اشعاعی بیکوند با عنوان ساختن مبارزه منشی انحرافی - ضد خلقی - و این نظرات و تمایلات ارتجاعی و آزاد روم خلقی و شاید هنوز روم جنبش مارکسیستی لنینیستی جلوه همد. این بیخردان حتی در نوشته درونی خود در اوائل شهریور ما سال جاری « سازمان انقلابی » را طبق سه معیار لنینی سازمانی مارکسیستی لنینیستی جلوه اد هاند. تا شاید این زمینه ای باشد برای سازش آتی ایشان و از این وحدت نامیون "حزب باب میل برآید. وحدت آتی شما مبارک باد. اما به یقین این توطئه در مقابل آگاهی تود هها با شکست روبرو خواهد شد. امروزه بگریا آگاهی برشی و حرکت ضد خلقی و شناخته رهبری « سازمان انقلابی » مبارزه ای علیه آن در میگرد. مبارزه ای است که از مبارزه خلق علیه ضد خلق نشکست میگرد. بدین معنی که در صحنه ی خلق و ضد خلق رهبری « سازمان انقلابی » همانند اردو ستم که مرکز و رکارا ارتجاع و دشمنان خلق قرار گرفته و متعابه یا یوار و ارتجاع داخلی و بین المللی عمل میکند. هرگز نه غفرت و ساسه و یا لغزشی در این مبارزه بسود ارتجاع میباشند نه بسود خلق.

جریانی که به نام « سازمان انقلابی » حزب تود ه ایران در خارج کشور "را گرفت. در ستم زمانی بدید ارکشت که رهبری حزب تود ه ایران در منجلا ب رومیزیونسم در نظریه میورد. در ستم زمانی که جوانان خواهان کونیمس بسیاری بعلت جوشش انقلابی خود خواستار تشکک جدید بودند. اما جمسود آنچه که در انتظار این جوانان انقلابی شته مبارزه بود. آن تشکک نبود که ایشان را به راه مارکسیست لنینیسم و به راه طبقه کارگر راهنما کرد. بلکه سازمانی بود که در واقع امر بسود رومیزیونسم کمیته مرکزی و رژیم مغفیلولوی در طول زندگی خود عمل کرد. هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی لنینیستی توان طی قطعنامه ان بیدایش « سازمان انقلابی » را چنین ارزیابی کرد:

"زین ستمین روزهای کده های ارتکاد رها و اشعاعی حزب تود ه ایران بمخالفت با ابروتیونسم رومیزیونسم رهبری و بد فاع از مارکسیسم لنینیسم برخاستند رومیزیونستها - همانطور که در همه جاهل کردند - عد ه ای از دست ستمگران خود را میان آنها فرستادند و آنان جریسان را در اختیار گرفته بسود رومیزیونسم گرد اندند. جلسه ای که به کده ها گفتار اول سازمان انقلابی نامید شد بدست یکی از رومیزیونستهای معروف حزب تود ه ایران تشکک یافت که به کده هها در رسید و قرار گرفت.

بدیهی است که امپریالیسم و سازمانیانیست ایران نیز از اهمیت نهضت مارکسیستی لنینیستی نوین غافل نبودند بقیه در صفحه ۳

کشف و اسامیون

قطعه نامه گفتار در پشت. از جیش دانشجوی ایران در اخل و خارج از کشور سابقه مبارزاتی در رخشانی دارد. نامیون از انفقون تا سه امروزی جوانان دانشجو و محصل در طول تاریخ مبارزات رها و اشعاعی خلقهای ایران و نقش بسزائی ایفا نموده اند. در خارج از کشور مبارزات و دانشجویان آگاموتی از ویران مبارزات کونیمس بزرگ میهن ماد کثرتی اراتی و در آری سابقه مبارزه تشکک و آگاه میباشند. جوانان کونیمس دانشجو با تعلقات آید و لولویک و آندیشه پرولتری همواره در پیشبرد این مبارزات و بالا بردن سطح شعارهای آن نقتار زنده های داشته اند. پیران زکوت تانی ننگین ۲۸ مرداد و محمد رضاشاه که تشککات و موکراتیک و مترقی ایران را بخاک خون کشیده و ربع قرن خفتان و ترور تاشیستی به سیه ما تبدیل نمود. سازمانهای دانشجوینان دانشجوینان و کلبه تشککهای بد موکراتیک دانشجویی نیز پیروز سر نیزه در هم شکستند

امروزه لیغ جوار و جنجال "حقوق بشر" گارتز را بر این رژیم پوسید متعابداتی ترین جمعاعات دانشجوینان را نظیر "اطاق کوهنوردی" و کتابخانه و اما لیم تحمل نمیکند. در قانون شاه جایی برای تشککات و بد موکراتیک موجود نیست. برای در هم کوفتن خواستها و مبارزات بحق دانشجوینان در اشکاهای ایران اتحاد بد دانشجوینان فاشیستی بر اه انداخته اند. اما علیغیر همه اینها مبارزات تود ه دانشجوینان در حال حاضر توسط گروهی محفی دانشجویی رهبری مییونند.

در خارج از کشور با ایجاد فدراسیونهای دانشجویی و بد نیای آن تشکک کفد راسیون تود ه دانشجو ارای تشککات تود ه ای. علی و بد موکراتیک و ضد امپریالیستی خود شد. کفدر راسیون جهانی که تا شانزده همین کنگره در بحق تنها نامیون و قمانسوی تود ه ای دانشجویی خارج از کشور بود و مبارزات در رخشانی و بر ارتش و رابعلیغ رژیم فاشیست محمد رضاشاه و اربابان امپریالیست. امپریالیسم آمریکا و دشمنان رنگارنگ خلقها زحمته و دستمیده و ایران به بیخبر برد هاست. در طی این سالها محتوی و تسعارهای کفدر راسیون از سطح مبارزات عد تأصفی به سطح مبارزات عد تأ سیاسی و موکراتیک ارتقا یافته است. کفدر راسیون در ایران در

توفان

عنوان مکاتبات
 XX.DR.GIOVANNA GRONDA
 87030 ARCAVACATA (CS) ITALY

حساب بانکی
 XX.DR.GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO / ITALY

ارگان مرکزی حزب کونیمس کارگران و دهقانان ایران را بخیه انیسید

پیروز انقلاب دمکراتیک توده ای

خود نیز تاریخ تولد و دستان و آشنایان را یاد بقیه در صفحه ۲